**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری(دام ظله)**

**جلسه375– 29/02/ 1400 نفقه‌ی حامل متوفی عنها زوجها /فصل ششم تکمله‌ی عروه /اقوال فقها در عده**

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث به نفقه‌ی حامل متوفی عنها زوجها رسید که آیا حامل متوفی عنها زوجها نفقه دارد یا نفقه ندارد؟

# روایات نفقه‌ی حامل متوفی عنها زوجها

روایات زیادی بیان کرده اند که حامل متوفی عنها زوجها، نفقه ندارد؛ اما از بعضی از روایات استفاده می شود که نفقه برای حامل متوفی عنها زوجها ثابت شده است. این روایات در جامع احادیث الشیعه، ابواب النفقات باب سوم ( باب عدم وجوب نفقة المتوفی عنها زوجها من مال زوجها و ان کان حاملا و لا سکناها و ینفق علیها من مال ولدها الذی فی بطنها) وارد شده است:

## روایت اول ( صحیحه‌ی حلبی)

عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ: فِي الْحُبْلَى‏ الْمُتَوَفَّى‏ عَنْهَا زَوْجُهَا إِنَّهُ لَا نَفَقَةَ لَهَا.[[1]](#footnote-1)

## روایت دوم

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع‏ فِي الْمَرْأَةِ الْحَامِلِ الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا هَلْ لَهَا نَفَقَةٌ قَالَ لَا.[[2]](#footnote-2)

## روایت سوم

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْمَرْأَةُ الْحُبْلَى الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا يُنْفَقُ عَلَيْهَا مِنْ مَالِ وَلَدِهَا الَّذِي فِي بَطْنِهَا.[[3]](#footnote-3)

سند روایت دوم و سوم یکسان است.

## روایت چهارم

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ مُثَنًّى الْحَنَّاطِ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع‏ فِي الْمَرْأَةِ الْحَامِلِ الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا هَلْ لَهَا نَفَقَةٌ قَالَ لَا.[[4]](#footnote-4)

## روایت پنجم

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا أَ لَهَا نَفَقَةٌ قَالَ لَا، يُنْفَقُ‏ عَلَيْهَا مِنْ‏ مَالِهَا.[[5]](#footnote-5)

## روایت ششم

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ زَيْدٍ أَبِي أُسَامَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الْحُبْلَى الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا هَلْ لَهَا نَفَقَةٌ فَقَالَ لَا.[[6]](#footnote-6)

در مورد وثاقت المفضل بن صالح بحث وجود دارد؛ اما با توجه به فراوانی روایات، به بحث های سندی نمی پردازیم.[[7]](#footnote-7)

## روایت هفتم

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْمَرْأَةُ الْحُبْلَى الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا يُنْفَقُ عَلَيْهَا مِنْ مَالِ وَلَدِهَا الَّذِي‏ فِي‏ بَطْنِهَا.[[8]](#footnote-8)

## روایت هشتم

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا ع قَالَ: الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا يُنْفَقُ‏ عَلَيْهَا مِنْ‏ مَالِهِ‏.[[9]](#footnote-9)

## روایت نهم

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ: فِي نَفَقَةِ الْحَامِلِ الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا مِنْ جَمِيعِ الْمَالِ حَتَّى تَضَعَ.[[10]](#footnote-10)

در من لا یحضره الفقیه با این تعبیر وارد شده است:

فِي رِوَايَةِ السَّكُونِيِّ قَالَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع‏ نَفَقَةُ الْحَامِلِ الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا مِنْ جَمِيعِ الْمَالِ‏ حَتَّى‏ تَضَع‏[[11]](#footnote-11)

اکثرا سکونی را عامی دانسته اند؛ قرائنی بر امامی بودن او ذکر شده است که تام نیست، گر چه جزم به عامی بودنش نیز مشکل است. احتمال امامی بودن و تقیه کردنش وجود دارد. اما چون امامی بودنش ثابت نشده است، روایاتش در حکم موثقه است.

## بررسی وثاقت محمد بن فضیل

مرحوم اردبیلی در جامع الرواة در مورد محمد بن فضیل مفصل بحث کرده است. عقیده‌ی ایشان این است که محمد بن فضیل به دو نفر اطلاق می شده است:

1. محمد بن فضیل کوفی

که محمد بن فضیل بن کثیر ازدی کوفی صیرفی است.

1. محمد بن فضیل بصری

که نوه‌ی فضیل بن یسار می باشد و عنوان کامل او محمد بن القاسم بن الفضیل بن یسار می باشد.

سپس قرائنی را بررسی می کند که در چه مواردی مراد از محمد بن الفضیل، محمد بن الفضیل کوفی است که تضعیف شده است و در چه مواردی محمد بن القاسم بن الفضیل بن یسار است که توثیق شده است ( تمییز مشترکات). بحث جامع الرواة در این مورد بسیار دشوار است. آیت الله والد در بحث حج دو جلسه در مورد عبارت جامع الرواة بحث کرده اند که به چه جهت مرحوم اردبیلی، محمد بن فضیل ها را از هم تفکیک کرده است و بعضی موارد را محمد بن فضیل کوفی دانسته و بعضی دیگر را محمد بن فضیل بصری دانسته است.

آیت الله والد می فرماید: دلیلی نداریم محمد بن الفضیل بر محمد بن القاسم بن الفضیل اطلاق شده باشد. البته چنین اطلاقی اشکالی ندارد؛ اما دلیل خارجی بر آن وجود ندارد.

فقط یک مورد بنا بر بعضی نقل ها، از محمد بن القاسم بن الفضیل بن یسار، ابن الفضیل بن یسار تعبیر شده است:

وَ عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ قَالَ: قُلْتُ لِعَلِيِّ بْنِ مُوسَى ع‏ إِنَّ ابْنَ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ رَوَى عَنْكَ وَ أَخْبَرَنَا عَنْكَ بِالرُّجُوعِ إِلَى الْمُعَرَّس‏ ...[[12]](#footnote-12)

مراد از ابن فضیل بن یسار به قرینه‌ی سند کافی، محمد بن القاسم بن الفضیل بن یسار می باشد:

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ بْنِ الْفُضَيْلِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ ع جُعِلْتُ‏ فِدَاكَ‏ إِنَ‏ جَمَّالَنَا مَرَّ بِنَا-وَ لَمْ يَنْزِلِ الْمُعَرَّسَ فَقَالَ لَا بُدَّ أَنْ تَرْجِعُوا إِلَيْهِ فَرَجَعْتُ إِلَيْهِ.[[13]](#footnote-13)

در من لا یحضره الفقیه نیز به این صورت وارد شده است:

وَ رَوَى عَلِيُّ بْنُ مَهْزِيَارَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ بْنِ الْفُضَيْلِ قَالَ‏ قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ ع جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ جَمَّالَنَا مَرَّ بِنَا وَ لَمْ يَنْزِلِ الْمُعَرَّسَ فَقَالَ لَا بُدَّ أَنْ تَرْجِعُوا إِلَيْهِ فَرَجَعْنَا إِلَيْهِ‏[[14]](#footnote-14)

اما مجرد یک تعبیر که علی بن اسباط از محمد بن القاسم بن الفضیل بن یسار به ابن الفضیل بن یسار تعبیر کرده است، نمی تواند قرینه باشد بر این که مراد از محمد بن الفضیل ( به طور مطلق و بدون قید)، محمد بن القاسم بن الفضیل بن یسار باشد.

ضمنا نقل علی بن اسباط در کافی به این صورت است:

وَ عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَسْبَاطٍ لِأَبِي الْحَسَنِ ع‏ وَ نَحْنُ نَسْمَعُ إِنَّا لَمْ نَكُنْ عَرَّسْنَا فَأَخْبَرَنَا ابْنُ الْقَاسِمِ بْنِ الْفُضَيْلِ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ عَرَّسَ وَ أَنَّهُ سَأَلَكَ فَأَمَرْتَهُ بِالْعَوْدِ إِلَى الْمُعَرَّس‏[[15]](#footnote-15)

به جای ابْنَ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ، ابن القاسم بن الفضیل وارد شده است.

در قرب الاسناد ( ص 391) ابتدا این روایت را نقل می کند:

مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْحَمِيدِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ قَالَ: سَمِعْتُ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ‏: «مَا سُلِبَ أَحَدٌ كَرِيمَتَهُ إِلَّا عَوَّضَهُ اللَّهُ مِنْهُ (الْجَنَّةَ)»[[16]](#footnote-16)

سپس روایاتی را نقل کرده است که در یکی از آن ها کلمه‌ی اسباط نیز آمده است.

سپس در صفحه‌ی 391 این روایت را آورده است:

قُلْتُ لَهُ‏: إِنَّ الْفُضَيْلَ بْنَ يَسَارٍ أَخْبَرَنَا عَنْكَ أَنَّكَ أَمَرْتَهُ بِالرُّجُوعِ إِلَى الْمُعَرَّس‏ ...[[17]](#footnote-17)

الفضیل بن یسار تعبیر کرده است که البته این تعبیر غلط است. صحیحِ آن ممکن است ابن الفضیل بن یسار باشد و ممکن است ابن القاسم بن الفضیل بن یسار باشد.

ظاهر قُلْتُ لَهُ‏: إِنَّ الْفُضَيْلَ بْنَ يَسَارٍ أَخْبَرَنَا عَنْكَ این است که الحسن بن علی بن فضال این مطلب را به امام عرضه می کند و حال آن که در نقل های دیگر علی بن اسباط این مطلب را به امام عرضه می کند.

خلاصه آن که اولا معلوم نیست این روایت با تعبیر ابن الفضیل بن یسار باشد، ثانیا با تعبیر ابن الفضیل بن یسار هم باشد، فقط همین یک روایت است. همچنین این یک روایت هم با تعبیر محمد بن فضیل نیست. ضمنا فقط در کلام علی بن اسباط است و نه در کلام راویان دیگر.

مجموع این نکات روشن می کند که نمی توان روایات محمد بن الفضیل را بر محمد بن القاسم بن الفضیل بن یسار تطبیق کرد. هیچ شاهدی بر این که مراد از محمد بن الفضیل، محمد بن القاسم بن الفضیل بن یسار است، وجود ندارد.

حال باید بررسی کنیم که آیا می توان محمد بن الفضیل بن الکثیر الازدی الکوفی الصیرفی را توثیق کرد؟

عباراتی در تضعیف او وارد شده است. در اصحاب الکاظم رجال شیخ طوسی چنین تعبیری وارد شده است:

5124- 25 محمد بن فضيل الكوفي‏

الأزدي، ضعيف.[[18]](#footnote-18)

در اصحاب الرضا علیه السلام چنین تعبیری وارد شده است:

5422- 35- 5423- 36 محمد بن الفضيل،

أزدي، صيرفي، يرمى بالغلو، له كتاب.[[19]](#footnote-19)

اما چنان که در جای خود بحث شده است به تبع بزرگان این فن مانند مرحوم وحید بهبهانی و آیت الله والد، تضعیفاتی که ناشی از غلو باشد، اجتهادی است و قابل قبول نیست. تضعیفات ناشی از غلو دو اشکال دارند:

اول این که خود غلو امری اجتهادی است و ممکن است کسی یک دیدگاه را غلو بداند و شخص دیگر آن را تقصیر و کوتاهی بداند. به همین دلیل نمی توان شهادت رجال را در مورد آن به عنوان یک شهادت تعبدی پذیرفت. شهادت تعبدی در امور حدسی نمی باشد؛ بلکه در امور حسی است و غلو یک امر حدسی و اجتهادی است که شهادت در مورد آن پذیرفته نیست.

اشکال دیگر این است که معمولا رمی به غلو را از نقل روایات شخص به دست می آورند و این مطلب که شخصی به مضمون روایتی که نقل می کند، معتقد باشد، استنباط دیگری است. شیخ طوسی نیز این اشکال را مطرح کرده است که معلوم نیست چنین افرادی غالی باشند؛ زیرا شخصی که روایتی را نقل می کند به این معنی نیست که به مضمون روایت معتقد باشد؛ بلکه چه بسا روایت را نقل می کند که مشخص شود این روایت از دستش نرفته است؛ به تعبیر دیگر ممکن است روش او روش جامع نگاری باشد و برای این که اثبات کند تمام روایات مساله را آورده است، این روایت را نقل کرده است.

بنابراین رمی به غلو برای اثبات ضعف راوی کفایت نمی کند. تضعیفی هم که بر پایه‌ی رمی به غلو باشد، قابل پذیرش نیست.

نپذیرفتن تضعیف برای اثبات وثاقت راوی کافی نیست؛ باید توثیقی در مورد راوی وجود داشته باشد.

### اکثار اجلاء

یکی از راه های توثیق محمد بن فضیل، اکثار روایت بعضی بزرگان از محمد بن الفضیل است. بزرگانی چون حسین بن سعید و محمد بن اسماعیل بن بزیع روایات زیادی از محمد بن الفضیل دارند که برای اثبات وثاقت او کافی است.

### روایت صفوان و بزنطی

قرینه‌ی دیگر برای اثبات وثاقت محمد بن الفضیل، روایت صفوان بن یحیی می باشد[[20]](#footnote-20):

رَوَى صَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ‏ سَأَلْتُهُ عَنْ شَهَادَةِ النِّسَاءِ هَلْ تَجُوزُ فِي نِكَاحٍ أَوْ طَلَاقٍ أَوْ رَجْم‏ ... [[21]](#footnote-21)

به نظر ما محمد بن فضیل یک نفر است و روشن است که این محمد بن فضیل، محمد بن الفضیل الصیرفی کوفی است. اما اگر کسی محمد بن الفضیل را متعدد بداند، به قرینه‌ی این که همین روایت در کافی وارد شده است:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا ع قَالَ قُلْتُ لَهُ تَجُوزُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ فِي نِكَاحٍ أَوْ طَلَاقٍ أَوْ فِي رَجْم‏ ...[[22]](#footnote-22)

و همچنین روایت دیگری در کافی وارد شده است:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَهِدَ إِلَى آدَمَ ع أَنْ لَا يَقْرَبَ هَذِهِ الشَّجَرَة ...[[23]](#footnote-23)

از طرف دیگر در چند کتاب روایت محمد بن فضیل الصیرفی عن ابی حمزة الثمالی نقل شده است:

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ فُضَيْلٍ الصَّيْرَفِيِّ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثُّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَل‏ ...[[24]](#footnote-24)

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ الصَّيْرَفِيِّ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثُّمَالِيِّ قَالَ‏ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع تَبْقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ قَالَ لَوْ بَقِيَتْ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَت‏[[25]](#footnote-25)

عِمْرَانُ بْنُ مُوسَى، عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ وَهْبٍ الْبَغْدَادِيِ‏، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ الصَّيْرَفِيِّ، عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثُّمَالِيِّ قَال‏[[26]](#footnote-26)

از ضمیمه‌ی این مجموعه به دست می آید که «محمد بن الفضیل»ی که صفوان از او نقل می کند، محمد بن الفضیل صیرفی الکوفی است.

قرینه‌ی دیگر بر وثاقت محمد بن الفضیل روایت احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی از محمد بن الفضیل می باشد:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ‏ مُحَمَّدِ بْنِ‏ أَبِي‏ نَصْرٍ عَنْ‏ مُحَمَّدِ بْنِ‏ الْفُضَيْلِ‏ عَنْ‏ أَبِي‏ حَمْزَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: حَمَلَةُ الْعَرْشِ وَ الْعَرْشُ الْعِلْمُ ثَمَانِيَةٌ أَرْبَعَةٌ مِنَّا وَ أَرْبَعَةٌ مِمَّنْ شَاءَ اللَّه‏[[27]](#footnote-27)

در مشیخه‌ی من لا یحضره الفقیه در طریق به ابو حمزه ثمالی، بزنطی از محمد بن الفضیل نقل می کند:

و ما كان فيه عن أبي حمزة الثماليّ فقد رويته عن أبي- رضي اللّه عنه- عن سعد بن عبد اللّه، عن إبراهيم بن هاشم، عن أحمد بن محمّد بن أبي نصر البزنطيّ، عن محمّد بن الفضيل، عن أبي حمزة ثابت بن دينار الثمالي‏[[28]](#footnote-28)

ممکن است تصور شود روایت ابن ابی عمیر از محمد بن فضیل در روایت زیر نیز قرینه‌ی بر وثاقت محمد بن فضیل است:

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ غَيْرِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثُّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَال‏[[29]](#footnote-29)

اما این استدلال صحیح نیست؛ زیرا همین روایت در کافی به این صورت نقل شده است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَال‏[[30]](#footnote-30)

با توجه به «او» معلوم نیست که محمد بن ابی عمیر راوی از محمد بن الفضیل باشد.

مجموع قرائنی که بیان شد، در اثبات وثاقت محمد بن الفضیل کافی است و تضعیفی هم که در مورد او وارد شده است، مبنی بر غلو است که یک امر استنباطی است و این تضعیف اعتبار تعبدی ندارد.

1. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج6، ص114.](http://lib.eshia.ir/11005/6/114/%D9%86%D9%8E%D9%81%D9%8E%D9%82%D9%8E%D8%A9%D9%8E%20) [↑](#footnote-ref-1)
2. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج6، ص115.](http://lib.eshia.ir/11005/6/115/8) [↑](#footnote-ref-2)
3. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج6، ص115.](http://lib.eshia.ir/11005/6/115/%DB%8C%D9%86%D9%81%D9%82) [↑](#footnote-ref-3)
4. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج6، ص115.](http://lib.eshia.ir/11005/6/115/%D8%B3%D9%87%D9%84) [↑](#footnote-ref-4)
5. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج8، ص152.](http://lib.eshia.ir/10083/8/152/%D8%A7%D9%84%D8%B9%D9%84%D8%A7) [↑](#footnote-ref-5)
6. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج8، ص151.](http://lib.eshia.ir/10083/8/151/%D8%A7%D8%B3%D8%A7%D9%85%D8%A9) [↑](#footnote-ref-6)
7. فقط محمد بن فضیل را بحث خواهیم کرد. [↑](#footnote-ref-7)
8. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج6، ص115.](http://lib.eshia.ir/11005/6/115/%D8%A8%D9%8E%D8%B2%D9%90%D9%8A%D8%B9%D9%8D%20) [↑](#footnote-ref-8)
9. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج6، ص120.](http://lib.eshia.ir/11005/6/120/%D9%85%D8%A7%D9%84%D9%87) [↑](#footnote-ref-9)
10. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج8، ص152.](http://lib.eshia.ir/10083/8/152/%D8%AA%D8%B6%D8%B9) [↑](#footnote-ref-10)
11. [من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج3، ص510.](http://lib.eshia.ir/11021/3/510/%D8%A7%D9%84%D8%B3%DA%A9%D9%88%D9%86%DB%8C) [↑](#footnote-ref-11)
12. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج6، ص16.](http://lib.eshia.ir/10083/6/16/%D8%A7%D8%B3%D8%A8%D8%A7%D8%B7) [↑](#footnote-ref-12)
13. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج4، ص565.](http://lib.eshia.ir/11005/4/565/%D8%A7%D9%84%D9%81%D8%B6%DB%8C%D9%84) [↑](#footnote-ref-13)
14. [من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج2، ص560.](http://lib.eshia.ir/11021/2/560/%D8%A7%D9%84%D9%81%D8%B6%DB%8C%D9%84) [↑](#footnote-ref-14)
15. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج4، ص566.](http://lib.eshia.ir/11005/4/566/%D8%A7%D8%B3%D8%A8%D8%A7%D8%B7) [↑](#footnote-ref-15)
16. قرب الإسناد (ط - الحديثة)، متن، ص: 389 [↑](#footnote-ref-16)
17. قرب الإسناد (ط - الحديثة)، متن، ص: 391 [↑](#footnote-ref-17)
18. [رجال الطوسی، شیخ طوسی، ج1، ص343.](http://lib.eshia.ir/14027/1/343/%D8%A7%D9%84%D8%A7%D8%B2%D8%AF%DB%8C) [↑](#footnote-ref-18)
19. [رجال الطوسی، شیخ طوسی، ج1، ص365.](http://lib.eshia.ir/14027/1/365/%D8%A8%D8%A7%D9%84%D8%BA%D9%84%D9%88) [↑](#footnote-ref-19)
20. بنا بر این که مشایخ صفوان، ابن ابی عمیر و بزنطی را ثقه بدانیم. [↑](#footnote-ref-20)
21. [من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج3، ص51.](http://lib.eshia.ir/11021/3/51/%D8%A7%D9%84%D9%81%D8%B6%DB%8C%D9%84) [↑](#footnote-ref-21)
22. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج7، ص391.](http://lib.eshia.ir/11005/7/391/%D8%A7%D9%84%D9%81%D8%B6%DB%8C%D9%84) [↑](#footnote-ref-22)
23. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج8، ص113.](http://lib.eshia.ir/11005/8/113/%D8%A7%D9%84%D9%81%D8%B6%DB%8C%D9%84) [↑](#footnote-ref-23)
24. الخصال، ج‏2، ص: 478 [↑](#footnote-ref-24)
25. علل الشرائع، ج‏1، ص: 198 [↑](#footnote-ref-25)
26. مختصر البصائر، ص: 49 [↑](#footnote-ref-26)
27. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج1، ص132.](http://lib.eshia.ir/11005/1/132/%D8%A7%D9%84%D9%81%D8%B6%DB%8C%D9%84) [↑](#footnote-ref-27)
28. [من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج4، ص444.](http://lib.eshia.ir/11021/4/444/%D8%A7%D9%84%D9%81%D8%B6%DB%8C%D9%84) [↑](#footnote-ref-28)
29. [بصائر الدرجات، محمد بن حسن صفار، ج1، ص76.](http://lib.eshia.ir/86650/1/76/%D8%A7%D9%84%D9%81%D8%B6%DB%8C%D9%84) [↑](#footnote-ref-29)
30. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج1، ص207.](http://lib.eshia.ir/11005/1/207/%D8%A7%D9%84%D9%81%D8%B6%DB%8C%D9%84) [↑](#footnote-ref-30)